

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٤٢٤٤٠



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل

عنوان:

رعایت حقوق بشر دوستانه در جنگ‌های آمریکا علیه

افغانستان و عراق

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سید علی هنجنی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محسن عبداللهی

روز اطلاعات مدرسه ملی بزرگ  
تسهیل در کتب

نگارنده:

رقیه حضرتی راد

۱۳۸۹ / ۷ / ۲۴

تابستان ۱۳۸۹

تقدیم به:

پدر و مادر مهربان و فداکارم که در تمام مراحل زندگی و تحصیل،  
راهنما و مشوق من بودند،  
و همسر عزیزم که صبورانه به بهترین نحو مطلوب زمینه انجام این  
تحقیق را برایم فراهم نمود.

نام خانوادگی: حضرتی راد

نام: رقیه

سال ورود: ۱۳۸۵

رشته تحصیلی: حقوق بین‌الملل

استاد راهنما: دکتر سید علی هنجنی

تاریخ فراغت از تحصیل:

استاد مشاور: دکتر محسن عبداللهی

عنوان پایان نامه: رعایت حقوق بشردوستانه در جنگ‌های آمریکا علیه افغانستان و عراق

### چکیده

جوامع بشری در طول تاریخ همیشه با پدیده شوم و تلخی به نام جنگ مواجه بوده‌اند. درگیری‌های مسلحانه روزافزونی که در نقاط مختلف جهان روی می‌دهند بیانگر این واقعیت انکارناپذیرند که جامعه بین‌المللی را از رویارویی با جنگ گریزی نیست. منازعات مسلحانه امروزی به دلیل بکارگیری شیوه‌های نوین هدایت عملیات جنگی و استفاده از سلاح‌های پیشرفته در آنها، بیش از پیش حیات بشری را تهدید می‌نمایند. از این رو، جامعه بین‌المللی که همواره خود را با پدیده جنگ روبرو دیده و آن را محتمل‌الوقوع فرض کرده است تمامی تلاش و توان خود را در جهت تهیه و تدوین قواعد حقوقی ناظر بر جنگ‌ها بکار برده است تا در پی تسکین رنج‌های حاصل از آن برآمده و مقداری از آلام و دردهای ناشی از آن بکاهد. از سوی دیگر، به منظور وادار کردن دولت‌ها به اجرای قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی و پای‌بندی بیشتر دولت‌ها به رعایت آن قواعد، سعی کرده تا ضمانت اجرای موثری را که تعهد تضمین اجرای قواعد حقوق بشردوستانه است را در متن حقوقی این قواعد قرار دهد و با درج این تعهد، از کلیه دولت‌ها خواسته تا در صورت تخلف از هر یک از قواعد حقوقی حاکم بر جنگ از سوی هر یک از متخاصمین، در برابر تخلف مزبور واکنش نشان داده و متخلف را از ادامه یا تکرار آن بازداشته و به پای‌بند ماندن به تعهدات بشردوستانه ترغیب کنند. اما با این حال، علی‌رغم همه تلاش‌هایی که انجام داده است در عمل می‌بینیم که هنوز موفق نشده تا دولت‌ها را آنطور که باید مجبور به اجرا و تضمین اجرای قواعد حقوق بشردوستانه نماید؛ از این رو ما همواره شاهد نقض گسترده و روزافزون این قواعد از سوی دولت‌ها هستیم.

جنگ‌های اخیر افغانستان و عراق از جمله جنگ‌هایی هستند که در آنها نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی صورت گرفته است. در این پایان‌نامه برخی از مصادیق نقض فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی توسط ایالات متحده آمریکا در جنگ‌های مذکور تبیین و مورد تجزیه و تحلیل حقوقی قرار می‌گیرند. کشتار عمدی، شکنجه یا رفتار غیرانسانی با اسرای جنگی، مجروحان و بیماران جنگی و غیرنظامیان، هدایت عمدی حملات بر ضد اموال غیرنظامی، حملات بدون تبعیض و نامتناسب علیه جمعیت یا اهداف غیرنظامی، هدف حمله قرار دادن اشخاص خارج از کارزار، تخریب غیرضروری اموال دشمن و بکارگیری سلاح‌های نامتعارف، از مباحث عمده مطرح در این پژوهش می‌باشند.

کلید واژه: حقوق بشردوستانه بین‌المللی، نقض فاحش حقوق بشردوستانه، جنایت جنگی، آمریکا، جنگ عراق، جنگ افغانستان.

## فهرست مطالب:

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
۷.....	بخش اول: حقوق بشردوستانه بین‌المللی و رعایت آن در حقوق بین‌الملل
۸.....	فصل اول: حقوق بین‌المللی بشردوستانه و ضرورت وجود آن در جامعه بین‌المللی
۸.....	گفتار اول: حقوق بشردوستانه بین‌المللی در دوران مشروعیت توسل به زور
۱۳.....	گفتار دوم: حقوق بشردوستانه بین‌المللی در دوران ممنوعیت توسل به زور
۱۶.....	گفتار سوم: تعریف حقوق بشردوستانه بین‌المللی
۱۸.....	گفتار چهارم: منابع حقوق بشردوستانه بین‌المللی
۱۸.....	بند اول: موافقتنامه‌های بین‌المللی
۲۱.....	بند دوم: اصول و قواعد عرفی
۲۳.....	گفتار پنجم: ضرورت وجود حقوق بشردوستانه بین‌المللی
۲۵.....	فصل دوم: رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی و تضمین اجرای آن
۲۷.....	گفتار اول: تعهد دولت‌ها به رعایت حقوق بشردوستانه و ترغیب یکدیگر به اجرای آن
۳۲.....	گفتار دوم: اقدامات دولت‌ها به منظور اجرا و تضمین اجرای قواعد بشردوستانه بین‌المللی
۳۳.....	بند اول - اقدامات پیشگیرانه
۳۴.....	الف) قانونگذاری ملی
۳۴.....	ب) اشاعه قواعد بشردوستانه
۳۴.....	ج) تهیه دستورالعمل‌های نظامی
۳۴.....	د) تربیت نیروی واجد شرایط
۳۵.....	ه) ترجمه عهدنامه‌ها و پروتکل‌ها
۳۵.....	بند دوم - اقدامات نظارتی
۳۵.....	الف) بهره‌گیری از خدمات مشاوران حقوقی
۳۶.....	ب) تعیین دولت حامی
۳۶.....	بند سوم - اقدامات سرکوب کننده

- الف) اقدامات اجبارکننده (تنبیهی) از سوی هر یک از متخاصمین ..... ۳۷
- ب) ساز و کارهای سیاسی و دیپلماتیک از سوی دول ثالث ..... ۳۷
- ج) اقدامات اجبارکننده از سوی دول ثالث ..... ۳۸
- د) مسئولیت تمامی دولت‌ها در محاکمه و یا استرداد مرتکبین نقض فاحش قواعد بشردوستانه ..... ۳۹
- بند چهارم- شیوه‌های دیگر ..... ۴۰
- الف) روش تحقیق و بازرسی ..... ۴۰
- ب) کمیسیون بین‌المللی حقیقت‌یاب ..... ۴۰
- ج) کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ..... ۴۱
- د) همکاری با سازمان ملل متحد ..... ۴۱
- ه) رسانه‌های گروهی ..... ۴۲
- بند پنجم- اعمال راهکارهای موجود در جهت اجرا و تضمین اجرای حقوق بشردوستانه بین‌المللی در مناقشات مسلحانه غیربین‌المللی و رویکردهای جدید جامعه بین‌المللی ..... ۴۲
- گفتار سوم: علل نقض گسترده قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی و امتناع از تضمین اجرای آنها.. ۴۳
- گفتار چهارم: بهبود کارایی ضمانت اجراهای موجود ..... ۴۷
- بند اول: عناصری که کارایی ضمانت اجراها را تعیین می‌کند ..... ۴۸
- بند دوم: عناصر مرتبط با نقض‌های حقوق بشردوستانه بین‌المللی ..... ۴۹
- بند سوم: عناصر مرتبط با مرتکبین نقض حقوق بشردوستانه ..... ۵۱

## بخش دوم: تبیین و تحلیل مصادیق نقض حقوق بشردوستانه در جنگ‌های آمریکا علیه افغانستان و عراق ..... ۵۳

- فصل اول: کلیاتی در خصوص جنگ‌ها ..... ۵۷
- گفتار اول: جنگ ۷ اکتبر ایالات متحده آمریکا علیه افغانستان (۲۰۰۱) ..... ۵۷
- گفتار دوم: جنگ اول خلیج فارس ایالات متحده آمریکا علیه عراق (۱۹۹۱) ..... ۵۹
- گفتار سوم: جنگ دوم خلیج فارس ایالات متحده آمریکا علیه عراق (۲۰۰۳) ..... ۶۲
- فصل دوم: مصادیق نقض فاحش کنوانسیون‌های ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو ..... ۶۳
- گفتار اول: کشتار عمدی مجروحان و بیماران جنگی ..... ۶۴
- گفتار دوم: کشتار عمدی، شکنجه یا رفتار غیرانسانی با اسرای جنگی ..... ۶۹
- بند اول: قتل عام اسرای جنگی در قلعه جنگی در جنگ ۷ اکتبر علیه افغانستان (۲۰۰۱) ..... ۷۲

- بند دوم: شکنجه و آزار و اذیت اسرای جنگی گوانتانامو در جنگ ۷ اکتبر علیه افغانستان (۲۰۰۱)..... ۷۹
- بند سوم: شکنجه و آزار و اذیت اسرای جنگی ابوغریب در جنگ دوم خلیج فارس علیه عراق (۲۰۰۳)..... ۸۰
- گفتار سوم: بازداشت غیرقانونی، شکنجه یا رفتار غیر انسانی با غیرنظامیان ..... ۸۲
- بند اول: بازداشت کودکان به اتهام انجام یا ظن انجام فعالیت‌های مضر یا خصمانه علیه امنیت ائتلاف و نیروهای آمریکایی ..... ۹۳
- بند دوم: بازداشت کودکان عراقی به دلیل تهدید امنیتی نیروهای ائتلاف ..... ۹۴
- فصل سوم: دیگر مصادیق نقض فاحش قوانین و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل ناظر بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی (کنوانسیون‌های ۱۹۰۷ لاهه و نخستین پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو) ..... ۹۵
- گفتار اول: هدایت عمدی حملات بر ضد اموال و اهداف غیرنظامی ..... ۹۶
- بند اول: استفاده از پناهگاه آمریکا صرفاً جهت حمایت از غیرنظامیان ..... ۹۷
- بند دوم: استفاده از پناهگاه آمریکا به منظور به کار بردن سپر انسانی ..... ۹۸
- گفتار دوم: حمله بدون تبعیض علیه جمعیت غیرنظامی یا اهداف غیرنظامی با علم به تلفات یا صدمات بیش از حد ..... ۹۹
- بند اول: بمباران و حمله به غیرنظامیان در جنگ ۷ اکتبر علیه افغانستان (۲۰۰۱) ..... ۱۰۰
- بند دوم: بمباران و حمله به غیرنظامیان در جنگ دوم خلیج فارس علیه عراق (۲۰۰۳) ..... ۱۰۴
- گفتار سوم: هدف حمله قرار دادن اشخاص بی‌دفاع یا خارج از کارزار ..... ۱۰۵
- گفتار چهارم: تخریب غیرضروری اموال دشمن ..... ۱۰۸
- بند اول: حمله به نیروگاه‌های برق ..... ۱۱۱
- بند دوم: حمله به تاسیسات نفتی ..... ۱۱۳
- گفتار پنجم: بکارگیری سلاح‌های نامتعارف ..... ۱۱۴
- بند اول: سلاح‌هایی با اورانیوم رقیق شده ..... ۱۱۸
- الف) استفاده از اورانیوم رقیق شده در جنگ ۷ اکتبر علیه افغانستان (۲۰۰۱) ..... ۱۲۱
- ب) استفاده از اورانیوم رقیق شده در جنگ اول خلیج فارس علیه عراق (۱۹۹۱) ..... ۱۲۳
- ج) استفاده از بمب‌های بانکر باستر (سطح‌شکن) در جنگ دوم خلیج فارس علیه عراق (۲۰۰۳) ..... ۱۲۴
- بند دوم: مهمات و بمب‌های خوشه‌ای ..... ۱۲۵
- الف) استفاده از بمب‌های خوشه‌ای در جنگ ۷ اکتبر علیه افغانستان (۲۰۰۱) ..... ۱۳۱

- ۱- استفاده از بمب‌های خوشه‌ای در روستای آهنگر ..... ۱۳۸
- ۲- استفاده از بمب‌های خوشه‌ای در روستای عشق سلیمان ..... ۱۳۹
- ۳- استفاده از بمب‌های خوشه‌ای در روستای قلعه شاطر ..... ۱۴۰

ب) استفاده از مهمات و بمب‌های خوشه‌ای در جنگ دوم خلیج فارس علیه عراق

..... (۲۰۰۳) ۱۴۱

بند سوم: بمب‌های آتش‌زا ..... ۱۴۲

الف) استفاده از بمب‌های ناپالم ..... ۱۴۵

ب) استفاده از بمب‌های حاوی فسفر سفید ..... ۱۴۶

نتیجه‌گیری ..... ۱۴۹

منابع و مآخذ ..... ۱۵۲



حقوق بین‌الملل به عنوان یک پدیده اجتماعی، در گذر زمان به دلیل ضرورت حیات بین‌المللی، ابداع و بر روابط و مناسبات بین‌المللی حاکم شده است، به این انگیزه که بتواند عهده‌دار تنظیم روابط پیچیده دولت‌ها شده و نظم را که تامین‌کننده ثبات و آرامش است، جایگزین هرج و مرج ناشی از سیاست قدرت گرداند. با تحول جامعه بین‌المللی و ظهور مفاهیم و ارزش‌های نوعی در پرتو اندیشه‌های بشردوستانه برگرفته از تجارب ناخوشایند و در عین حال گرانبار حیات آدمی از یک سو و ترقیات علوم، صنایع و تکنولوژی که در خدمت بشر قرار گرفته و در پرتو ارتباطات گسترده عرصه‌های نوینی پدیدار شده، حقوق بین‌الملل نیز تاثیرات شگرفی پذیرفت. با وقوع جنگ‌های بین‌المللی، فضای جدیدی ایجاد شد که جنبه‌های به ظاهر مثبت حاکمیت عنان گسیخته دولت را در پرتو نتایج رسوای آن، زیر سوال برده و فجایع حزان‌آور ناشی از جنگ، ضرورت وجود معیارها و موازین مشترک را مورد تاکید قرار داد؛ معیارهایی که می‌توانست مانع از تکرار آنها شود. لذا حوادث جنگ جهانی و خصوصیات تسلط تفکر ماکیاولیستی موجب شد تا اخلاقی کردن روابط بین‌المللی و ملحوظ داشتن حقوق عام بشریت و حیثیت و کرامت ذاتی افراد انسانی در چارچوب آن دسته از مبانی اخلاقی که به طور جهانی پذیرفته شده‌اند، مورد توجه قرار گیرد.

در این راستا در گذر زمان در پرتو گسترش ارتباطات، وابستگی‌های مادی، معنوی و منافع متقابل بشری، وجدان و احساس مشترک در قبال مشکلات و معضلاتی که حیات نوع بشر را به مخاطره می‌افکند، حساسیت و گرایش افکار عمومی و بالمآل اهل فن نسبت به حقوق افراد انسانی افزون شده و با الهام از اندیشه‌ها و رویکردهای بشردوستانه، این ضرورت احساس شد که باید ریشه‌ها و عوامل وقوع جنگ تعدیل و نابود شود و صلح و امنیت بین‌المللی محقق و حاکم گردد و در صورت وقوع جنگ، در مقام هدایت و کنترل آن بود و به لحاظ ذی‌مدخل بودن بشریت در این مناقشات، اصل شرافت و حیثیت و نجابت بشری را ملاک اعمال و اقدامات قرار داد. ضرورت‌هایی که مستلزم این امر است که نظم حقوقی بنیادینی ایجاد گردد که بنا بر ماهیت خود، همه اعمال و اقدامات بین‌المللی را شامل گردد و اصول و قواعد آن با قدرت هر چه بیشتر اعمال شوند. به این دلیل که در وضعیت ملهم از روابط مبتنی بر آزادی عمل و استقلال دولت‌ها، جنگ‌ها عملاً تداوم یافته و به دلایل و داعیه‌های خاصی ولو در قالب «مقابله» و «نیل به صلح از رهگذر جنگ»، تکرار شده و از هر وسیله‌ای حتی بمب اتم نیز استفاده شده است. جنگ‌هایی که به محض بروز، نمی‌توان مطمئن بود که به حوزه مناطق نظامی محدود خواهد شد.

علی‌رغم اینکه بر ضرورت مقابله با تجاوز و خشونت باور و تاکید داریم (که به زبان حقوقی از آن به دفاع مشروع تعبیر می‌شود) و به لحاظ منطقی به کاربرد زور در برابر متجاوزان نیاز هست و آنرا

واکنشی طبیعی تلقی می‌کنیم که برای حیات اجتماعی (بین‌المللی) ما ضروریست (و اعدولهم ما استطعتم من قوه)، فلذا هر شهروندی باید آماده باشد که از کشور و کیان خود به هنگام ضرورت دفاع به عمل آورد؛ اما هرگز این ضرورت‌های عقلی - تجربی را دلیل و بهانه‌ای برای افراط و زیاده‌روی تلقی نمی‌کنیم. امری که فی نفسه ریشه در فطرت انسان دارد و مورد تاکید ادیان الهی است و سابقه‌ای به دیرینگی حیات آنها دارد. این پیام صریح قرآن مجید است که در سوره بقره می‌فرماید: «لایجرمنکم شنئان قوم علی الاتعدلو اعدلو هو اقرب للتقوی: کینه توزی نسبت به قومی (کافران) نباید هرگز شما را به بیدادگری برانگیزد. دادگری کنید که این به پرهیزکاری نزدیکتر است.» یا در آیه دیگری در عین حال که بر دفاع تاکید می‌فرماید، اما آنرا ملازم با زیاده‌روی و خشونت‌های بی‌دلیل تلقی نمی‌کند. «و قاتلوا فی سبیل... الذین یقاتلونکم و لاتعدوا ان... لایحب المعتدین: در راه خداوند با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید اما از حدود عدالت و انصاف خارج نشوید که خداوند تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد.»<sup>۱</sup>

با ابتنا بر آنچه که گذشت اگر خشونت‌ها و بیرحمی‌های جنگ را نفی کنیم صرفاً نه به این علت است که در درگیری و رویارویی بین نیروهای نظامی کشورهای متخاصم، زیاده‌روی می‌شود، بلکه علاوه بر آن، به لحاظ خشونت‌های غیر قابل تحمل و بی‌دلیلی است که علیه غیرنظامیان نیز رخ می‌نماید. چرا که به هنگام مخاصمه، طرفین، لاقلاً از تاکتیک گسترش و فراگیر شدن جنگ نسبت به دشمن به منظور اهرم فشار استفاده می‌جویند.

از رهگذر طرح و اهمیت دادن به حقوق اساسی بشری؛ با ابتنا به کرامت ذاتی بشر و به‌رغم تاکید بر ضرورت آمادگی و توان و اختیار دولت‌ها در مقام دفاع، باید تعهدات و تکالیف جدیدی به دولت‌ها محول گردد. به تعبیر دیگر در مجموع، موضوعیت پیدا کردن فرد انسانی در قالب حمایت از حقوق ذاتی‌اش منجر به ظهور رهیافت‌ها و نگرش‌های مترقیانه و گرایش‌های حقوقی نوع‌دوستانه‌ای در نظم حقوقی بین‌المللی گردید، که راهی جز این وجود ندارد که کلیه ضوابط و اصول انسانی که مورد پذیرش جامعه بین‌المللی به طور کلی است، باید به عنوان وظیفه، مورد تاکید قرار گرفته و تحت هر شرایطی رعایت شوند.

از قبل این تحولات، شیوه‌ها و راهکارهایی ایجاد و طراحی گردید که تحت عنوان خاص «حقوق بشردوستانه بین‌المللی» فارغ از هر قید و شرطی و در هر زمان و مکانی، رعایت حقوق عینی و ذاتی افراد انسانی را مد نظر دارد. مقرراتی که به لحاظ ربط آن با منافع آحاد بشریت و وجدان حقوقی جامعه بین‌المللی، در صورت نقض صلح و امنیت بین‌المللی به همه اعضا جامعه بین‌المللی برمی‌گردد و آنرا متاثر می‌سازد. بر این اساس تعهدات پذیرفته‌شده در این وادی، تعهداتی ویژه و از نوع دیگر است؛ و «طرف تعهد» جامعه بین‌المللی و «موضوع تعهد»، تضمین صلح و امنیت بشری است که بنا بر مفهوم «سایرین نیز باید به رعایت قوانین و مقررات وادار شوند.» مقرراتی که تامین‌کننده نظم

<sup>۱</sup> سوره بقره - ۱۸۶.

حقوقی بین‌المللی است. ارجحیتی که به لحاظ پیوند محکم و وثیقش با آرمان‌های اخلاقی - انسانی، باید فراتر از تمایلات فردی به آن نگرست. مفهومی که به نحو واحدی در همه انواع جنگ‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی باید در روابط افراد انسانی لحاظ شود و بنا بر قاعده هر گونه تهدید و نقض صلح و امنیت بشری باید با واکنش قاطع جامعه بین‌المللی مواجه گردد. چرا که این تعهدات برای صیانت منافع اساسی جامعه بین‌المللی ضروری است.

در این مسیر پرتلاطم و حوادث حزن‌انگیز ناشی از مناقشات بین‌المللی، به منشور نورنبرگ می‌رسیم که ایده جنایت‌بار بودن برخی از اقدامات افراطی و خشونت‌آمیز را به عنوان هنجارهای بین‌المللی مورد توجه قرار داده و مستحق مجازات تلقی کرد. دلیل این امر، تمایل و اراده‌ای بود که درباره از میان بردن تحمل‌ناپذیرترین عواقب جنگ و پیامدهای غیرانسانی آن وجود داشت. هجوم‌های مکرر به شرافت و حیثیت انسانی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، مستلزم چنین اقدامات قانونی بوده است.

در این گستره است که بهره‌گیری از زور و توسل به جنگ به عنوان ابزار سیاست ملی و حل و فصل اختلافات بین‌المللی منع گردیده و به تبع آن نگرش جنایت‌بار بودن جنگ تجاوزکارانه به عنوان هنجاری مسلم به منصفه ظهور رسیده و مورد پذیرش ملل متحد قرار گرفت؛ که بالمآل پیامد طبیعی این رویکرد، مسئولیت کیفری بین‌المللی افراد بود که در قبال رنج و محنت قربانیان بیگناه جنگ، اعم از نظامی و غیرنظامی، واکنش مقتضی و حکم وجدان بشری بوده است، از نظر منطقی نیز به نظر می‌رسد که اهمیت عالی و آرمانی کرامت و ارزش ذاتی بشر، مستلزم به عهده گرفتن تعهدات و پذیرفتن مسئولیت‌های بیشتر و موثرتر است. چه اینکه باید حافظ صلح و امنیت بشری بود و از طریق رعایت حقوق و اقدام به قواعد و مقررات انسانی نظم حقوقی بین‌المللی، تا حد ممکن از مناقشات و تخلفات جلوگیری نموده و در صورت تخلف، ضمانت اجرا مناسب پیش‌بینی نمود تا عامل بازدارنده قوی ایجاد شود که تا آنجا که ممکن است از عادی شدن بی‌اعتنایی و تخلف از قواعد و مقررات بشردوستانه که تحقیقا زشت‌ترین و منفورترین پدیده انسانی است که عارض حیات جمعی ما شده، جلوگیری نماید. و این درس تاریخ است که بی‌مکافات و مجازات گذاشتن متخلفین، عامل بروز و وقوع مجدد اعمال خلاف است. خصوصا که در اکثر موارد، نادیده انگاشتن و تخلف از حقوق اساسی بشری در زمان جنگ و نیز صلح، دلایل سیاسی دارد. و اینکه در بسیاری موارد، به جای اقدام منسجم و قاطع که ندای وجدان اخلاقی جامعه بشری است، در قالب لفاظی‌ها، به اهمال‌کاریهای سیاسی مبادرت می‌شود و قوانین بشردوستانه به عنوان محمل و پوشش و دستاویزی برای پنهان داشتن بی‌تفاوتی‌های دولت‌ها استفاده می‌شود. لذا عجیب نیست که ناقضین این اصول اولیه اخلاق بشری و جنایتکاران جنگی به عنوان سیاستمداران محترم و معتبر مورد استقبال جامعه بین‌المللی قرار می‌گیرند. و یا اینکه همچون دولت عراق پس از جنگ تحمیلی علیه ایران، گستاخانه به تهاجم و اشغال کویت مبادرت می‌نمایند.

برای گریز و رهایی از این تجربیات تلخ، باید با ایجاد ساز و کارهای غیرسیاسی، این اطمینان ایجاد گردد که قواعد بشردوستانه به اجرا گذاشته شده و محترم شمرده خواهد شد. چه از دیگر آموزه تجارب تلخ ما از دوران جنگ تحمیلی است که باید به زندگی انسان‌ها ارج بگذاریم. شاید از منظر ارزش‌های انسانی بتوان از افزایش خصومت‌ها و خشونت‌ها جلوگیری نمود. آیا موقع آن نرسیده که از رنج و مصائب فراوان غیرنظامیان و اقدامات حقارت‌آمیز علیه دشمن که همان نادیده انگاشتن شان و شرافت و حیثیت ذاتی بشری است، نه دلریش بلکه نگران بوده و در این مقام باشیم که با ایجاد ساز و کارهای حقوقی، نقض‌کنندگان معیارها و قوانین حقوق بشر به پای میز محاکمه کشیده شده و مجازات شوند. بدیهی است نیل به این هدف، فارغ از چارچوب و قالب‌های سیاسی، مستلزم آگاهی و اتحاد اعضای جامعه بین‌المللی در احترام به حقوق بشر و تضمین کامل و موثر این قوانین است. تحقیقا تهدید اقدامات مجاز در مناقشه مسلحانه و نیز مجازات و برخورد با متخلفین، متضمن ایجاد نظامی کارآمد به منظور واکنش علیه موارد نقض است که در پرتو فراهم آمدن زمینه‌های نظری لازم برای این منظور، وجدان حقوقی جامعه بین‌المللی خواهان آن است و گام‌هایی مهم در این راستا برداشته شده است.

با توجه به این نکات باید اذعان نمود دولت‌ها اگر چه از لحاظ نظری ضرورت حاکمیت قواعد حقوق بشردوستانه در جامعه بین‌المللی را پذیرفته‌اند اما در عمل خود را آنطور که باید و شایسته حقوق بشردوستانه است ملزم به رعایت این دسته از قواعد حقوقی و عکس‌العمل در مقابل نقض آنها نمی‌دانند، از این رو ما همواره شاهد نقض گسترده و روزافزون این قواعد از سوی دولت‌ها هستیم. جنگ‌های اخیر آمریکا در عراق و افغانستان از جمله جنگ‌هایی هستند که در آنها حقوق بشردوستانه بین‌المللی آشکارا نقض شده است.

ایالات متحده آمریکا کشوری است که عضو اکثر قریب به اتفاق کنوانسیون‌ها و اسناد حمایتی مربوط به حقوق بشردوستانه است. این کشور علاوه بر اسناد و کنوانسیون‌های مربوطه، در عرصه ملی و در حقوق نظامی داخلی خویش نیز اسنادی را به تصویب رسانده است که همگی حکایت از احترام ظاهری دولت ایالات متحده آمریکا به حقوق بشردوستانه و حمایت از نفس بشر دارد؛ اما آنچه در عمل خودنمایی می‌کند عدم تقید و تعهد این کشور به حقوق مربوطه است. ایالات متحده آمریکا همواره به نقض حقوق بشردوستانه پرداخته است، که از آن جمله می‌توان به مورد عراق و افغانستان اشاره کرد. این مسئله نگارنده را بر آن داشته است تا به تحقیق در خصوص این مسائل بپردازد؛ اینکه آیا ایالات متحده آمریکا با توجه به حضور و نقش فعالی که در صحنه بین‌المللی دارد، در جنگ‌های علیه افغانستان و عراق در جهت رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی گام برداشته است؟ آیا مطابق با آن موازینی که حقوق بشردوستانه از کشورها انتظار دارد رفتار کرده است؟ در صورت عدم رعایت چه قواعد و مقرراتی را نقض کرده است؟ و در کل چرا دولت‌ها حاضر به اجرای قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی در جنگ‌ها نیستند و یا تمایلی به واکنش در مقابل نقض این قواعد از خود نشان نمی‌دهند؟

به عبارت دیگر علل نقض گسترده قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی و امتناع از تضمین اجرای آنها چیست؟

در واقع، با توجه به اخبار گسترده از نقض حقوق بشردوستانه در جنگ‌های آمریکا در افغانستان و عراق، در پایان‌نامه حاضر سعی شده است با استفاده از منابع موجود و بهره‌گیری از نظرات و راهنمایی‌های ارزنده اساتید راهنما و مشاور حتی‌الامکان برخی از مصادیق نقض فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی توسط ایالات متحده آمریکا در جنگ‌های علیه عراق و افغانستان که جنایاتی جنگی نیز محسوب می‌شوند تبیین و مورد بحث و بررسی قرارگیرند تا با تحلیل حقوقی نقض‌های صورت‌گرفته و بررسی آثار این پیامدها، بر غنی‌تر شدن ادبیات حقوقی مخاصمات مسلحانه در ایران کمک شود. البته لازم به ذکر است که بررسی همه جانبه و کامل موارد نقض با توجه به کمبود منابع و ضیق وقت امکانپذیر نبوده و نمی‌توان به برخی منابع دسترسی داشت. همچنین از سوی دیگر تاکنون تحقیق عمده و جالبی در خصوص محدوده مطالعاتی نگارنده صورت نگرفته است.

روش گردآوری اطلاعات مورد استفاده در پژوهش حاضر، روش کتابخانه‌ای بوده است. استفاده از امکانات و منابع موجود در کتابخانه‌ها و منابع اینترنتی، همچنین، متون معاهدات و اسناد بین‌المللی که در راس آنها می‌توان به کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو، کنوانسیون‌های ۱۹۰۷ لاهه و پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ اشاره نمود، نگارنده را در نگارش این پایان‌نامه یاری نموده است.

شیوه ارائه اطلاعات در بخش ارزیابی، جمع‌آوری و پردازش داده‌های تحقیق، تلفیقی از دو روش توصیفی و تحلیلی می‌باشد.

پایان‌نامه حاضر به دو بخش تقسیم می‌شود. در بخش نخست با عنوان «حقوق بشردوستانه بین‌المللی و رعایت آن در حقوق بین‌الملل» مختصراً توضیحات لازم برای شناسایی حقوق بشردوستانه بین‌المللی و مباحث مربوط به آن داده می‌شود تا با تصویر روشنی که از آن در ذهن پدیدار می‌گردد با آمادگی بیشتری به تبیین و تحلیل برخی از مصادیق نقض حقوق بشردوستانه توسط ایالات متحده پرداخته شود. این بخش متشکل از دو فصل است.

در فصل اول با عنوان «حقوق بین‌المللی بشردوستانه و ضرورت وجود آن در جامعه بین‌المللی» ابتدا نحوه پیدایش حقوق بشردوستانه بین‌المللی در دوران مشروعیت توسل به زور و ممنوعیت آن مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد؛ تعریف حقوق بشردوستانه بین‌المللی و ضرورت وجود آن در جامعه بین‌المللی مباحث بعدی این فصل را تشکیل می‌دهند.

در فصل دوم همان‌گونه که از عنوان آن یعنی «رعایت حقوق بشردوستانه و تضمین اجرای آن» برمی‌آید، در چهار گفتار به بررسی تعهد دولت‌ها به رعایت حقوق بشردوستانه و ترغیب یکدیگر به اجرای آن، اقدامات دولت‌ها به منظور اجرا و تضمین اجرای قواعد بشردوستانه بین‌المللی، علل نقض گسترده قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی و امتناع از تضمین اجرای آنها و در آخر بهبود کارایی ضمانت اجراهای موجود، پرداخته می‌شود.

بخش دوم پایان‌نامه حاضر که بخش اصلی پایان‌نامه نیز هست با عنوان «تبیین و تحلیل مصادیق نقض حقوق بشردوستانه در جنگ‌های آمریکا علیه افغانستان و عراق» به مطالعه موردی جنگ‌های آمریکا در افغانستان و عراق پرداخته و برخی از مصادیق نقض فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی در این جنگ‌ها را تبیین و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. این بخش به سه فصل تقسیم شده است. فصل اول این بخش را به جنگ‌های که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند، جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس علیه عراق در سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ و جنگ ۷ اکتبر ۲۰۰۱ متعاقب حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ علیه افغانستان، اختصاص می‌دهیم و مختصراً در خصوص هر یک از آنها توضیحاتی می‌دهیم. سپس در فصل دوم و سوم به ترتیب، مصادیق نقض فاحش کنوانسیون‌های ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو و کنوانسیون‌های ۱۹۰۷ لاهه و پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ ژنو یا به عبارت دیگر، دیگر مصادیق نقض فاحش قوانین و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل حاکم بر منازعات مسلحانه بین‌المللی را بررسی می‌کنیم.

کشتار عمدی، شکنجه یا رفتار غیرانسانی با اسرای جنگی، مجروحان و بیماران جنگی و غیرنظامیان، هدایت عمدی حملات بر ضد اموال غیرنظامی، حملات بدون تبعیض و نامتناسب علیه جمعیت یا اهداف غیرنظامی، هدف حمله قرار دادن اشخاص خارج از کارزار، تخریب غیرضروری اموال دشمن و بکارگیری سلاح‌های نامتعارف، برخی از مصادیق نقض فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی توسط ایالات متحده آمریکا در جنگ‌های علیه افغانستان و عراق هستند که در این فصول مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به هنگام بررسی هر یک از مصادیق نقض در ابتدا در خصوص اینکه نحوه انجام عملیات یا نحوه رفتار متخاصمین با اشخاص یا اموال تحت حمایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی طبق کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو، کنوانسیون‌های ۱۹۰۷ لاهه و پروتکل اول الحاقی و دیگر قوانین و عرف‌های ناظر بر منازعات مسلحانه چگونه باید باشد و چه قواعد و مقرراتی باید در خصوص وسایل و روش‌های جنگی یا نسبت به اشخاص تحت حمایت اعمال گردد، صحبت می‌کنیم و پس از آن به مقایسه اعمال و اقداماتی صورت‌گرفته توسط نیروهای ایالات متحده آمریکا با این مقررات در جنگ‌های مذکور می‌پردازیم تا ببینیم که آمریکا در این جنگ‌ها تا چه حد به قواعد بشردوستانه پای‌بند بوده است و آیا مطابق با ضوابط و موازین حقوق بشردوستانه عمل کرده است؛ در صورت عدم رعایت، چه قواعدی نقض شده و چه جنایات جنگی ارتکاب یافته است. همچنین سعی شده است هر قضیه‌ای از هر دو جهت، هم بر اساس ادعاهای صورت‌گرفته توسط آمریکا و هم بر اساس واقعیات برگرفته از اسناد، مدارک و شواهد بررسی شود و از هر گونه پیش‌داوری و نتیجه‌گیری قبل از بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده پیرامون آن موضوع، اجتناب شود.

## بخش اول:

حقوق بشردوستانه بین‌المللی و  
رعایت آن در حقوق بین‌الملل

## فصل اول: حقوق بین‌المللی بشردوستانه و ضرورت وجود آن در جامعه بین‌المللی

با نگاهی اجمالی به تاریخ جوامع بشری در می‌یابیم که پدیده شوم و تلخی به نام جنگ، پدیده‌ای که به قول یک دانشمند روسی جامعه بشری از حدود ۳۵۰۰ سال تاریخ مدون خود تنها ۲۵۰ سال از آن فارغ بوده<sup>۱</sup>، در طول تاریخ مدام گریبانگیر حیات بشری بوده و پیامدهای ناگواری را برای بشریت به همراه داشته است که نقض حقوق بنیادین افراد نمونه بارز آنهاست. علاوه بر این، درگیری‌های مسلحانه روزافزونی که در نقاط مختلف جهان روی می‌دهد بیانگر این واقعیت انکارناپذیر است که جوامع بین‌المللی و علی‌الخصوص جوامع داخلی معاصر را از رویارویی با جنگ گریزی نیست. منازعات مسلحانه امروزی به دلیل بکارگیری شیوه‌های نوین هدایت عملیات جنگی و استفاده از سلاح‌های پیشرفته در آنها، بیش از پیش حیات بشری را تهدید می‌کنند. از این‌رو، حقوقدانان که در جهت انجام وظیفه آگاه کردن، همواره جوامع را با پدیده جنگ روبرو دیده آن را محتمل‌الوقوع فرض کرده‌اند، چاره‌ای جز تقبیح انواع تجاوز ندیده و در صورت وقوع، در پی تسکین رنج‌های حاصل از آن برآمده‌اند و با این دو عمل در راه حفظ و اعتلاء حیثیت کسانی که به آن مبتلی شده یا نشده‌اند کوشیده‌اند.

در این فصل کوشش شده است به جایگاه نسبتاً با ارزش حقوق بشردوستانه بین‌المللی در حقوق بین‌المللی عمومی تاکید شود و تاثیر آن در حفاظت حقوق فرد که طی جنگ به شدیدترین وجه، ممکن است مورد مخاطره قرار گیرد یا نقض شود اشاره گردد. از این‌رو به سابقه پیدایش آن در دوران مشروعیت و ممنوعیت توسل به زور اشاره شده است تا در پرتو آن مشخص شود تا چه میزان در ادوار مختلف به منزلت فرد جدای از دولت، از این رهگذر احترام گذاشته شده است.

### گفتار اول: حقوق بشردوستانه بین‌المللی در دوران مشروعیت توسل به زور

از زمان‌های بسیار دور تاکنون در رابطه با بکار بردن قدرت و توسل به زور در مناسبات بین‌المللی دو نظریه یا دو رفتار کاملاً متفاوت و متضاد وجود داشته است: یکی توسل به زور و استعمال قدرت و دیگری منع توسل به زور و تحریم جنگ. این دو روش یا دو نظریه در طول تاریخ فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذارده و هر یک در فواصلی از زمان به عنوان رفتار یا نظریه غالب، مبنای عملکرد کشورها قرار گرفته است. آنچه مسلم است مسیر این طریق همواره با تحولی از سمت توسل به زور به سوی عدم توسل به زور بوده است. تا به آنجا که امروزه در حقوق بین‌الملل منع توسل به زور و تحریم جنگ به منزله اصل و قاعده‌ای بنیادین تلقی شده است، هر چند که رفتار کشورها در اکثر موارد با این اصل چندان سازگار نیست.

<sup>۱</sup> به نقل از محمود مسائلی و عالیہ ارفعی، جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین‌الملل، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، چاپ دوم، ۱۳۷۳، ص. ۱.



در این گفتار و گفتار بعدی ما قصد داریم که نحوه پیدایش و سیر تحول تاریخی حقوق بشردوستانه بین‌المللی را در دوران مشروعیت توسل به زور و ممنوعیت آن بررسی کنیم چرا که مباحث تاریخی زیر به ارتقای درک ایجاد و ارزش حقوق بشردوستانه بین‌المللی کمک می‌نمایند. به دنبال پیدایش جوامع اولیه و شکل‌گیری روابط دوستانه میان آنها، روابط خصمانه نیز به دلیل تبعیض و بی‌عدالتی و استقلال‌طلبی ملتها موجودیت پیدا می‌کند. جنگ بارزترین روابط خصمانه است. قواعد و مقررات انسان‌دوستانه در ابتدایی‌ترین جنگ‌ها- البته نه به شکل امروزی آن - رعایت می‌شده است. البته اندیشمندان حقوقی معاصر، عموماً از این نظریه پشتیبانی می‌کنند که چون در دوران گذشته جنگ و توسل به زور به لحاظ حقوق بین‌الملل کلاسیک، اصل حاکم بر روابط میان کشورها بوده، جوامع گذشته جنگ‌ها را بدون حقوق اداره می‌کردند و آزادی عمل فزاینده‌ای برای تقویت خود و تضعیف دشمن داشتند. این نظریه و اندیشه رسمی، سابقه تاریخی را انکار و تحریف می‌کند؛ در حالی که یک بررسی اجمالی تاریخی، این نظریه را مخدوش می‌نماید. به واقع متخاصمین سراسر تاریخ، مجموعه قواعد ناظر بر جنگ را ایجاد و به رسمیت شناخته‌اند، هر چند که این مقررات و قوانین، نظیر حقوق مدرن جنگ، نسبت به تحمیل محدودیت‌های جنگی ناظر بر فعالیت‌های نظامی، ناکام ماند.<sup>۱</sup>

پای‌بندی قواعد و رفتار انسان‌دوستانه و رعایت آنها در زمان درگیری‌های مسلحانه، برخاسته و نشأت گرفته از تمدن‌ها، فرهنگ‌ها، عقاید و مذاهب ملل مختلف جهان است. منشا برخی از قواعدی که به موجب آنها محدودیت‌هایی بر هدایت جنگ، ابزارهای جنگی و کاربرد آنها تحمیل گردید، را می‌توان در دوران باستان یافت.<sup>۲</sup> برای مثال، سومری‌ها جنگ را وضعیتی تلقی می‌کردند که قانون بر آن حاکم است و با اعلام جنگ، آغاز و با پیمان صلح پایان می‌یابد. جنگ تابع قواعد خاصی بود که از آن جمله مصونیت مذاکره‌کنندگان دشمن را تضمین می‌کرد.<sup>۳</sup> حمورابی پادشاه بابل (۱۶۸۶-۱۷۲۸ قبل از میلاد) «قانون حمورابی» را به منظور حمایت از فرودستان در برابر ظلم و ستم فرادستان نوشت و دستور داد که گروگان‌ها در مقابل پرداخت فدیة آزاد شوند. در قانون هیتی‌ها نیز شرایط اعلام جنگ و انعقاد صلح از طریق معاهده و نیز رعایت حال ساکنان شهر دشمن که خود را تسلیم کرده باشند تصریح شده بود. جنگ بین مصر و هیتی‌ها در سال ۱۲۶۹ قبل از میلاد از طریق یک معاهده صلح خاتمه یافت. در قرن هفتم قبل از میلاد، کوروش اول، پادشاه ایران دستور داد تا با کلدانی‌های مجروح، مانند سربازان مجروح او رفتار شود. ماها بهاراتا، داستان حماسی هند (۴۰۰ قبل از میلاد) و قوانین مانو (بعد از شروع عصر جدید) مشتمل بر مقرراتی بودند که به موجب آنها قتل دشمن که خود

<sup>۱</sup> Chris of Jochnick and Roger Normand, "The Legitimation of Violence: A Critical History of the Laws of War", *Harvard International Law Journal*, Vol. 35, No. 1, WINTER, 1994, P. 57.

<sup>۲</sup> فلک، دیتر. حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه. ترجمه قاسم زمانی و ... تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر

دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص. ۳۴.

<sup>۳</sup> همان ماخذ.

را تسلیم کرده و دیگر قادر به نبرد نیست و استفاده از برخی ابزارهای جنگی مانند پیکان‌های سمی و شعله‌ور ممنوع بود. همچنین در این قوانین حمایت از اموال دشمن و اسرای جنگی مقرر شده بود.<sup>۱</sup> یونانی‌ها در جنگ‌های بین دولت-شهرها، برای یکدیگر حقوق برابر قائل بودند و در جنگ علیه ایران به رهبری اسکندر برای زندگی و شخصیت قربانیان جنگی به عنوان یک اصل اساسی، احترام قائل بودند. آنها به معابد، ایلچیان، روحانیون و فرستادگان طرف مقابل مصونیت می‌دادند و اسرای جنگی را مبادله می‌کردند. برای مثال مسموم کردن چاه‌ها در جنگ ممنوع بود. رومی‌ها نیز برای اسرای جنگی حق زندگی قائل بودند. اما یونانی‌ها و رومی‌ها هر دو بین جمعیتی که آنها را همتای فرهنگی خود تلقی می‌کردند و آنهایی که از نظر آنها غیرمتمدن محسوب می‌شدند، تمایز قائل بودند. در این عرصه، نظام حقوقی اسلام نیز قواعد بشردوستانه بسیاری به جوامع بشری در راستای حرمت و پاسداشت انسان و انسانیت عرضه نموده است. ابوبکر خلیفه اول (در حدود ۶۳۲ م)، در فرامین خود به فرماندهان چنین تصریح کرد که: «خون زنان، کودکان و سالخوردگان نباید پیروزی شما را لکه‌دار سازد. درختان خرما را نابود نکنید. خانه‌ها و مزارع را به آتش نکشید. شما نباید گله‌های حشام را از بین ببرید مگر برای تغذیه خود».<sup>۲</sup> در قرون وسطا اصولی مشخص بر جنگ‌ها و مخاصمات حاکم بود. اصل حمایت از زنان، کودکان و سالخوردگان در مخاصمات مورد حمایت «سن آگوستین» قرار گرفت. رعایت حرمت مکان‌های مقدس (آتش‌بس برای اجرای مراسم عبادی) موجب پیدایش حق پناهندگی در کلیساها شد، که رعایت آن از سوی کلیسا مورد نظارت دقیق قرار می‌گرفت. شوالیه‌ها بر طبق قوانین خاص (غیرمکتوب) می‌جنگیدند. قوانین تسلیحاتی از سوی محاکم شوالیه‌ها اجرا می‌شد. این قوانین صرفاً برای شوالیه‌ها اعمال می‌شد، نه برای مردم عادی. دشمن همواره یک جنگجوی همسان تلقی می‌شد که می‌بایست در جنگی جوانمردانه شکست داده می‌شد. آغاز جنگ بدون اعلام قبلی ممنوع بود.<sup>۳</sup> تاثیر «سن آگوستین» بر حقوق جنگ در قرون وسطا تا اندازه‌ای از طرح تئوری «جنگ عادلانه» وی ناشی می‌شد. نظر به اینکه اولین نویسندگان مسیحی عموماً صلح طلب بوده‌اند، «سن آگوستین» بر این باور بود که فرد مسیحی با شرکت در جنگی عادلانه مرتکب هیچ خطایی نمی‌شود. نظرات آگوستین بعدها مورد قبول نویسندگان متنفذی مانند «سن توماس آکوئیناس» قرار گرفت؛ شخصی که معتقد بود جنگ عادلانه مستلزم مجوزی قانونی، آرمانی عادلانه، و نیتی منصفانه است. مجوز قانونی در تمامی موارد بین مخاصماتی که به اجازه یک شاهزاده آغاز می‌شد، از اقدامات غیرقانونی راهزنان از یک طرف و فعالیت‌های غیرقانونی جنگ‌سالاران از طرف دیگر تمایز قائل می‌شد. هنگامی که این نظریه دال بر اینکه جنگ می‌تواند مبنایی حقوقی و اعتقادی داشته باشد، پذیرفته شد، طبیعتاً (حداقل در مخاصمات بین شاهزاده‌های مسیحی) نتیجه این بود که ملاحظات حقوقی و

<sup>۱</sup> همان ماخذ، ص. ۳۵.

<sup>۲</sup> همان ماخذ، ص. ۳۶.

<sup>۳</sup> همان ماخذ، ص. ۳۷.

انسانی نیز باید عملیات جنگ را تحت تاثیر قرار دهد. قواعدی که جهت قانونمندی جنگ بین شوالیه‌ها ارائه شد، بیانگر این ملاحظات و قوانین کلی شوالیه‌گری بود. بدون شک این قواعد تأثیری تعالی‌بخش داشته‌اند و از منظر حقوق بشردوستانه دستاوردی ارزشمند به شمار می‌روند. با وجود این باید به خاطر داشت که قواعد مزبور عمدتاً به نفع شوالیه‌ها تدوین شده و هدف آنها نیز چندان بشردوستانه نبود، یعنی در این مقام بر نیامده بودند که با استفاده از آن بخواهند از توسعه تسلیحات و روش‌های جنگی که تهدیدی برای موقعیت آنها بود، جلوگیری کنند. انگیزه شورای لاتران در سال ۱۱۳۷ میلادی در اعلام ممنوعیت استفاده از کمان تفنگی، دوری جستن از سلاحی بود که هر سرباز پیاده با استفاده از آن می‌توانست شوالیه‌های زره‌پوش را تهدید کند و نیز نگرانی از احتمال بروز صدمات ناشی از پرتاب این‌گونه تیرها بر روی شوالیه‌ها بود. علاوه بر این، این قانون صرفاً در مخاصمات بین شاهزادگان مسیحی قابل اعمال بود و به ندرت در وضعیتی چون جنگ‌های صلیبی اعمال گردید.

حقوق جنگ تا عصر روشنگری، زمانی که یک گروه برجسته از حقوقدانان و حکمای الهی و نویسندگان حقوق بین‌الملل، به تغییر منبع اقتدار از خدا به عقل کمک کردند، به جهت‌گیری‌های ویژه مذهبی وابسته بود. هوگو گروسیوس در کتابی سه جلدی ناظر بر حقوق جنگ، نتیجه گرفت که رویه دولت‌ها، حقوق طبیعی را از طریق داوری‌ها و استدلال‌های مدلل انسانی منعکس و نمایان می‌سازد. مهمترین موضوع از نقطه‌نظر معاصر این است که وی تأکید و پافشاری کرد که جنگ باید تحت حاکمیت مجموعه‌ای دقیق از قواعد حقوقی باشد. گروسیوس بر این باور بود که تخلف و خشونت، فراتر از آنچه که برای تامین هدف‌های نظامی ضروری است، توجیه‌پذیر نیست و اینکه صدمات باید در چارچوب نیازمندی‌ها و ضرورت‌های نظامی به حداقل رسانده شود. یک قرن بعد ژان ژاک روسو، این اصول را مورد تأیید قرار داد و اظهار داشت که ماهیت موضوعات و مسائل، متخاصمین را وادار می‌سازد که رزمندگان را از غیررزمندگان جدا سازند و حملات را به دشمنان نظامی محدود کنند.<sup>۱</sup>

تا قرن نوزدهم، دستاوردهای بازمانده از شوالیه‌گری، معاهدات نظامی غیرالزام آور، نویسندگان حقوق بین‌الملل و رشد کند محدودیت‌های عرفی برگرفته از رویه دولت‌ها، چارچوب حقوقی حاکم بر رفتار زمان جنگ را تشکیل می‌داد؛ در عین حال، طبیعت متغیر جنگ، متأثر از پیشرفت‌های تکنولوژی و رقابت‌های شدید بین دولت‌ملت‌های نوپیدا، اهمیت این محدودیتها را آشکار، و تجدیدنظر دولت‌ها را ایجاب نمود. به طوریکه در قرن ۱۹ به تدریج تدوین اصول عرفی قوانین جنگ آغاز شد، مقررات جنگ و اصول عرفی آن زمینه تدوین گردید. موضوع قواعد جنگ از شکل روابط میان دولت‌ها خارج و به صورت رابطه میان دولت و فرد در آمد و برای نخستین بار فرد در حقوق

<sup>۱</sup> Chris of Jochnick and Roger Normand, op. cit., p. 59.

بین‌الملل عمومی موقعیتی یافت و موضوع آن گردید<sup>۱</sup>، آن هم در دوران حقوق بین‌الملل کلاسیک که جنگ پدیده غالب محسوب می‌شد و عقیده بر تداوم جنگ و موقت بودن صلح بود.<sup>۲</sup>

در حقوق بین‌الملل قوانین جنگ اولین مبحثی بود که تدوین گردید و امروزه از قدیمی‌ترین مباحث حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود. بنابراین شکل‌گیری آن به صورت امروزی متأثر از رویدادهایی تاریخی است. تولد حقوق مخاصمات در نیمه قرن نوزدهم بعد از جنگ‌های مصیبت‌بار اروپایی در اروپا و نخست برای اروپائیان صورت گرفت. در سال ۱۸۵۹ سپاهیان فرانسه و اطریش در سولفرینو محلی در شمال ایتالیا به جنگی سخت پرداختند که در مدت کوتاهی سی و شش هزار نفر مجروح جنگی بر جای گذاشت. مجروحین در میدان جنگ در حال جان باختن بودند؛ در حالی که کسی نمی‌توانست به آنها کمک بنماید. صحنه رقت‌انگیزی بوجود آمده بود. در چنین وضعی یک جوان بازرگان سویسی به نام هانری دونان (Henry Dunant) اندکی پس از نبرد به منطقه جنگ وارد شد و خسارات، تلفات و مجروحین جنگ را مشاهده کرد. این منظره او را به شدت تحت تاثیر قرار داد. وی با کمک افراد محلی یک حرکت امدادی اولیه را برای نجات مجروحین سازمان‌دهی نمود. هانری دونان در بازگشت به کشور خود با الهام از مشاهداتش در نبرد سولفرینو کتاب خاطرات سولفرینو (A Memory of Solferino) را انتشار داد و با شرح ناملايمات و سختی‌های صحنه جنگ برای کاهش تلفات و آلام قربانیان پیشنهاداتی ارائه کرد: پیشنهاد اول تاسیس یک جمعیت امدادی داوطلب در هر کشوری در زمان صلح بود که آموزش دیده باشند، تا در زمان جنگ بتوانند خدمات درمانی و امدادی ارائه نمایند. پیشنهاد دوم این بود که دولت‌های جهان باید در یک کنگره اجتماع کنند و یک اصل بین‌المللی تخلف ناپذیر را که از طریق یک قرارداد ضمانت اجرایی پیدا کند تصویب نمایند، و مبانی حقوق حمایت از بیمارستان‌های نظامی و پرسنل امدادی و درمانی را تهیه کنند. پیشنهاد اول هانری دونان منجر به تاسیس صلیب سرخ (هلال احمر) شد. در ۱۷ فوریه ۱۸۶۳ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اعلام موجودیت کرد. پیشنهاد دوم او هم، مقدمه‌ای برای تدوین کنوانسیون‌های ژنو برای بهبود شرایط مجروحین نظامی در جنگ گردید که به وسیله نمایندگان ۱۶ کشور در اوت ۱۸۶۴ به تصویب رسید. تصویب این قرارداد سرآغاز حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌باشد. از این تاریخ است که با توجه به حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه تدوین مقررات جنگ سیر شتابنده‌ای می‌گیرد. این کنوانسیون مقدمه توسعه حقوقی است که امروزه آن را به عنوان حقوق ژنو می‌شناسیم.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> هنجنی، علی. "پیدایش حقوق بشردوستانه جنگ و جلوه‌هایی از حفظ حیثیت انسانی در رفتار رزمندگان با یکدیگر"، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، شماره ۳۹، سال ۱۳۸۳، صص ۷۶-۱۱۶.

<sup>۲</sup> دوران حقوق بین‌الملل کلاسیک، دوران سلطه قدرت‌های بزرگ اروپایی و حقوق بین‌الملل عمومی بازتابی از اراده آن دول قدرتمند بود. حقوق بین‌الملل کلاسیک جامعه بین‌المللی را مرکب از دول حاکمی می‌دانست که به شکل جمعیت‌های متحدالمال در سرزمینهای مختلف در جهت کسب منفعت مادی خود در رقابت زندگی می‌کردند و روابط خود را بر همین مبنا تنظیم می‌کردند. ظهور مقررات حاکم بر زمان جنگ به پیشرفت حقوق بین‌الملل کلاسیک و تغییر آن کمک نمود و آن را از یک حقوق نمایی به یک حقوق ماهیتی به نسبت ارتقای مقام داد.

<sup>۳</sup> Curis. F.J. Doebbler, *Introduction to International Humanitarian Law*, CD Publishing, 2005, p. 7.